



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

The First Commandment

Va'etchanan

وئتخان: فرمان نخست

یکی از عمیقترین اختلاف ها در یهودیت، اختلاف میان موسی بن مایمون [هارامبام] و یهودا هلوی بر سر معنای فرمان نخست ده فرمان است.

از دید هارامبام (۱۱۳۵-۱۲۰۴) فرمان نخست بیانگر ایمان به خدا، آفریدگار آسمان و زمین است:

اصل پایه ای همه اصول بنیادی و ستون همه دانش ها در ک این امر است که وجود اولی هست که همه موجودها را هستی بخشیده است. اگر وجود او انکار شود، به این معنا خواهد بود که هیچ چیز دیگری امکان وجود ندارد. اما اگر فرض کنیم که همه چیز دیگر وجود نداشته باشند، خدا به تنهایی همچنان می تواند وجود داشته باشد... پذیرفتن این حقیقت، دستوری مثبت است، چنانکه آمده: "من هستم، خداوند، خدای تو". خروج ۲: ۲۰؛ تثیه ۵: ۷؛ یسودهی هتوراہ ۱-۵: ۱

یهودا هلوی (۱۰۸۰-۱۱۴۵ م) با این نظر مخالف بود. هلوی که بزرگترین شاعر یهودی قرون وسطی بود، همچنین یکی از شاهکارهای فلسفی یهودیت را به نام خزری ها نوشت که در قالب گفتگو میان یک حاخام و یک پادشاه است. از نظر تاریخی، اقوام خزری مردمانی ترک بودند که در فاصله‌ی قرون هفتم تا یازدهم میلادی بر بخش قابل ملاحظه‌ای از سرزمین‌های بین دریای سیاه و دریای خزر شامل جنوب روسیه، شمال قفقاز، شرق اوکراین، غرب قفقاز و شمال ازبکستان حاکم بودند.

بسیاری از یهودیان بازرگان و پناهنده در آن قلمرو زندگی می‌کردند. در سال ۸۳۸ میلادی شاه خزری ها به نام بولان به دنبال برگزاری جدلی میان نمایندگان یهودیت، مسیحیت و اسلام، به یهودیت گروید. نویسنده‌ی عرب به نام دمشقی می‌نویسد که که خزری ها در رویارویی با دین یهود "آنها را بهتر از ادیان خود یافتند و آنها پذیرفتند". خزری ها به این ترتیب هم از نظر روحانی و هم جغرافیایی، نیروی سوم مستقلی شدند بین خلافت اسلام و امپراتوری مسیحی بیزانس. مردم خزری پس از تغییر دین، نام‌های یهودی برگزیدند و به زبان عبری سخن گفتند و نوشتند. آنها ختنه کردند، دارای کنیساها و حاخام‌های خود شدند، تورات و تلمود آموختند و جشنواره‌های یهودی را گرامی داشتند. کتاب خزری ها، فلسفه‌ی یهود به روایت یهودا هلوی است در قالب گفتگو میان شاه و یک حاخام که به تغییر دین شاه انجامید. هلوی در این کتاب تصویری به جا گذاشت که با آنچه بعدها روایت هارامبام بود، اختلاف داشت. یهودیت از دید هلوی ارسطویی نیست، بلکه ضدارسطویی است. خدای انبیاء یهود از دید هلوی، همان خدای فیلسوفان نیست. تفاوت کلیدی در آنجاست که فیلسوفان خدا را در متافیزیک جستجو می‌کنند، اما انبیاء یهود او را در تاریخ می‌جویند.

حاخام روایت یهودا هلوی ایمان خود را چنین تعریف می‌کند [برای شاه خزری ها]:

من به خدای ابراهیم، اسحق و ایسرائیل باور دارم که بنی اسرائیل را از مصر با نشانه‌ها و اعجازها خارج کرد و در بیابان سیر نمود و پس از عبور دادنشان از دریا و رود اردن به گونه‌ای معجزه آسا، به آنها سرزمین را بخشید. خزری ها ۱:۱۱

او در ادامه تأکید می‌کند که کلمات نخست خدا در وحی کوه سینا این نبود که: "من هستم خداوند، خدای تو، آفریدگار آسمان و زمین"، بلکه چنین بود: "من هستم خداوند، خدای تو که تو را از مصر، و سرزمین بردگی خارج کردم." خزری ها ۱:۲۵

هلوی پیش از هارامبام می زیست. نحمانید (ربی مشه بن نحمان ۱۱۹۴-۱۲۷۰) پس از او می زیست، اما او نیز با تفسیر هارامبام از فرمان نخست ده فرمان مخالف بود. مخالفت او بر اساس متنی در مخیلتا است:

"نباید هیچ خدایانی در کنار من پرستش کنی." چرا چنین گفته شده؟ زیرا آمده: "من هستم خداوند، خدای تو." در یک بیان تمثیلی: یک شاه وارد ایالتی شد. خدمتکارش به او گفت "برای این مردم حکمی صادر کن." اما او چنین پاسخ داد: "نه. وقتی آنها سروری مرا بپذیرند، حکم صادر می کنم. زیرا اگر آنها سروری مرا بپذیرند، چگونه احکام مرا اجرا خواهند کرد؟"

بنا به نحمانید آیهی "من هستم خداوند، خدای تو که تو را از مصر و سرزمین بردگی خارج نمودم"، یک حکم نیست، بلکه پیش شرطی برای فرمان های بعدی است. شرح می دهد که چرا بنی اسرائیل باید به خواست خدا عمل کنند. خدا آنها را نجات داد و به امنیت رساند. فرمان اول ده فرمان نه یک قانون، بلکه بیان واقعیت و دلیل پذیرش سروری خدا از سوی بنی اسرائیل است.

به برکت مجموعه ای از اکتشاف ها در قرن بیستم، اینک می دانیم که نحمانید درست می گفت. عهد تورات همان ساختار ادبی را دارد که معاهده های سیاسی خاور نزدیک باستان داشته اند، از جمله قدیمی ترین آنها "ستون سنگی کرکس ها" (پیش از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد) با هزارش پیروزی ایناتوم شاه لاگاش بر مردم اوما در جنوب میانرودان و نیز، معاهده ی نارام-سین شاه کیش و اکد با مردم ایلام (حدود ۲۲۸۰ سال پیش از میلاد). بعدها معاهده های دیگری یافت شده اند که به هیتی ها، آرامی ها و آشوریان تعلق داشتند. یکی از آنها عهدنامه ای است میان شاه هاتسلیز سوم و فرعون رامسس دوم، که برخی محققان او را همان فرعون روایت خروج می دانند.

این معاهده ها اغلب یک انگاره ی شش قسمتی را دنبال می کنند که سه قسمت اول آنها از این قرارند: ۱- مشخص کردن آغازگر معاهده، ۲- یک بازبینی تاریخی و خلاصه ای از رابطه ی گذشته میان دو طرف و ۳- شروط و مواد معاهده. جمله ی اول ده فرمان شکل بسیار کوتاه شده ی بخش ۱ و ۲ است. "من هستم، خداوند خدای تو" معرفی آغازگر معاهده است. "که تو را از مصر و سرزمین بردگی خارج نمودم" بازبینی تاریخی است. آیه های بعدی، شروط و مواد یا همان فرمان ها هستند. نحمانید و میدراش به درستی، آیه ی اول را یک پیشدرآمد و نه یک فرمان می دانستند. در این اختلاف نظر میان هارامبام از یک سو و یهودا هلوی و نحمانید از سوی دیگر چه مسئله ای مطرح است؟ در قلب یهودیت، فهمی دولایه از ماهیت خدا و رابطه اش با جهان نهفته است. خدا آفریدگار جهان است و سازنده ی

انسان به "شبهات و صورت خود". این سویه از خدا جهانشمول است. برای همه در دسترس است، خواه یهودی و غیر یهودی. ارسطو از راه منطق و متافیزیک به جهانشمولی رسید. از دید او خدا "محرک اول" است که جهان را به حرکت درآورد. امروز بسیاری از مردم از راه علم به همین نتیجه رسیده اند: جهان به اندازه ای دقیق طراحی شده که پیدایش حیات در آن نمی تواند تابع شانس باشد (اصل آنتروپی). برخی دیگر نه از راه منطق یا علم، بلکه در اثر حس هیبت از اعجاز (به قول ویتگنشتاین: امر اسرارآمیز، چگونگی جهان نیست، بلکه خود وجود جهان است). این سویه از خدا در توراه، الوهیم نام دارد.

اما سویه ای بس متفاوت از خدا نیز هست که بر بیشتر متون تنخ شامل پنج کتاب موسی، کتب انبیاء و کاتبان، حاکم است. این خدایی است که در سرنوشت یک خاندان و یک ملت یعنی بنی اسرائیل مشارکت دارد. او در تاریخ آنها دخالت می کند. عهد بسیار مخصوصی با آنها در کوه سینا می بندد – نه به هیچ روی مانند عهد کلی که با نوح و بشریت پس از توفان بست. عهد نوح ساده و ابتدایی است. بنا به حکیمان تلمودی آن عهد تنها هفت ماده داشت. عهد کوه سینا برعکس، بسیار پیچیده و دقیق است و همهی جوانب محسوس زندگی را دربرمی گیرد. این سویه از خدا با علامت نام چهار حرفی بیان می شود که ما به طور سنتی به جای آن نام دیگری به کار می بریم (زیرا خود آن کلمه مقدس است و تنها کوهن گادول می توانست آنرا به زبان بیاورد) که واژه ی هشتم است (درمورد دو سویه و نام ها نگاه کنید به خزری ها ۱-۳: ۴؛ و تفسیر هارامبام بر خروج ۱۳: ۳).

هارامبام (موسی بن مایمون) فیلسوف بر روی سویه ی جهانشمول و متافیزیکی یهودیت و امر جاودانی که وجود تغییرناپذیر خدا است، تأکید داشت. یهودا هلوی و نحمانید، یکی شاعر و دیگری عارف، بیشتر روی سویه ی خاص و بُعد وحیانی یهودیت تأکید می کردند: نقش خدا در ماجرای تاریخی عهد. هر دو درست می گویند و معتبرند، اما در این مورد، هلوی و نحمانید به معنای متن تورات نزدیکتر هستند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved